

بررسی عوامل تأثیرگذار بر تورم در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی سری زمانی غیرخطی نوع STR

محسن مهرآرا

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران mmehrara@ut.ac.ir

علی طیب‌نیا

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران taiebnia@ut.ac.ir

جلال دهنوی*

دانشجوی دوره‌ی دکتری اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناس ارشد اقتصاد

انرژی، مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی انرژی

jalaldehnavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۵

چکیده

در این مقاله عوامل تأثیرگذار بر تورم با استفاده از الگوی رگرسیونی سری زمانی خطی و غیرخطی (STR) در اقتصاد ایران طی دوره‌ی ۸۷-۱۳۳۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تصریح مدل تورم، علاوه بر در نظر گرفتن متغیرهای مرسوم (نقدینگی، تولید و نرخ ارز) تکانه‌های مثبت و منفی درآمد نفت، عدم تعادل پولی، عدم تعادل بخش خارجی و شکاف تقاضا نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل شده، فرضیه‌ی اصلی تحقیق مبنی بر توانایی بیش‌تر مدل رگرسیونی سری زمانی غیرخطی نسبت به مدل خطی برای تبیین رفتار تورم در اقتصاد ایران را تأیید می‌کند. ضرایب الگو تابعی از تغییرات قیمت نفت هستند. در رژیم درآمدهای نفتی پایین، تکانه‌های مثبت نفتی، تأثیر بازدارنده‌ای بر تورم دارد، در حالی که اثر تکانه‌های مذکور در رژیم درآمدهای نفتی بالا معنی‌دار نیست. شکاف یا مازاد تقاضا نیز اثر معنی‌داری بر تورم در دوره‌های رکود درآمدهای نفتی ندارد؛ اما در دوره‌های رونق نفتی، تأثیر متغیر مذکور بر تورم (احتمالاً از کانال مخارج دولت) بسیار با اهمیت است.

طبقه‌بندی JEL: C52، E31 و Q43

کلید واژه: تورم، تعدیل غیرخطی، الگوی سری زمانی غیرخطی، متغیرگذار

۱- مقدمه

تورم از معضلات اقتصادی ایران در سه دهه‌ی گذشته بوده است. متوسط نرخ تورم در دهه‌ی ۱۳۵۰ برابر ۱۳ درصد، در دهه‌ی ۱۳۶۰، ۱۷ درصد، در دهه‌ی ۱۳۷۰، ۲۳ درصد و در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۸۰، ۱۶/۵ اعلام شده است.^۱ ارقام اعلام شده حاکی از وجود تورم بالا در حیات اقتصادی ایران در سه دهه‌ی گذشته است. صرف نظر از آثار و پیامدهای تورم، محققان اقتصادی گزارشات و تحقیقات زیادی را در رابطه با علل وجود و راهکارهای مقابله با تورم در اقتصاد ایران به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند. بیش‌تر تحقیقات موجود در ایران از روش‌های تک‌معادله‌ای و الگوهای خطی برای تبیین عوامل مؤثر بر تورم استفاده کرده‌اند. به علاوه در تحقیقات گذشته بر جنبه‌ی پولی بودن تورم در ایران تأکید فراوان شده است (به طور مثال لیو و آددجی^۲، ۲۰۰۰ را نگاه کنید) هر چند که برخی مطالعات (مانند شاکری، ۱۳۸۰ و طیب‌نیا، ۱۳۷۴) نیز بر جنبه‌های ساختاری بودن و یا اهمیت نقش انتظارات در شکل‌گیری تورم تأکید کرده‌اند. در این مطالعه تأثیر طیف گسترده‌تری از متغیرها شامل شکاف تقاضا، عدم تعادل پولی، عدم تعادل بخش خارجی یا انحراف از برابری قدرت خرید (PPP)^۳ و قیمت نفت علاوه بر متغیرهای مرسوم (حجم نقدینگی، نرخ ارز بازار آزاد و تولید) در نوسانات قیمت‌ها در اقتصاد ایران مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین در این تحقیق از یک رویکرد سری زمانی غیرخطی که به مدل‌های انتقال هموار (STR)^۴ شهرت دارند استفاده می‌شود. در این رویکرد جدید پارامترهای الگوی تورم ثابت نبوده و تابع یکی از متغیرهای الگو (که متغیرگذار نامیده می‌شود) هستند، در این مطالعه نرخ رشد قیمت نفت به عنوان متغیرگذار انتخاب شده است به این معنا که در رژیم‌های مختلف درآمد نفتی (به طور مثال در رژیم‌های حدی درآمدهای نفتی بالا و پایین) مقدار ضرایب و در نتیجه اهمیت متغیرهای تعیین‌کننده‌ی تورم تغییر می‌کند. به بیان دیگر با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به نفت انتظار می‌رود عوامل تأثیرگذار بر تورم و هم‌چنین میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرها بر تورم در اقتصاد ملی به نوسانات درآمدهای نفتی بستگی داشته باشد، که دلالت بر وجود یک ارتباط غیر خطی میان تورم و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن دارد.

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی دوره‌های مختلف.

2- Liu, O. and O.S. Adedeji.

3- Purchasing Power Parity.

4- Smooth Transition Regression.

ساختار مقاله شامل شش بخش است. در بخش دوم، مبانی نظری تورم مورد بررسی قرار گرفته است. بخش سوم، به مرور مطالعات انجام شده و ادبیات تجربی اختصاص دارد. در بخش چهارم، به بررسی روند تورم در ایران پرداخته شده است. آرایه‌ی الگو و نتایج تخمین آن با استفاده از دو مدل خطی و غیرخطی موضوع بخش پنجم مقاله است. در نهایت در بخش ششم، از مباحث مطرح شده نتیجه‌گیری می‌شود.

۲- تورم در مکاتب اقتصادی^۱

مطابق با نگرش کلاسیک، یک سیاست پولی انبساطی سبب انتقال تابع تقاضای کل در اقتصاد خواهد شد و لذا سیاست پولی در اقتصاد تورم‌زا است. سیاست مالی نیز فقط به شکل اثرات باز توزیع ثروت و درآمد در بلندمدت جلوه‌گر می‌شود.

از سوی دیگر براساس دیدگاه مکتب کینزی، بسیاری از تکانه‌های حقیقی مانند تغییر در مخارج دولت، سرمایه‌گذاری و تکنولوژی، تقاضای کل را در سطح قیمت مشخصی تغییر می‌دهد و علت اساسی ایجاد تورم فزونی مخارج کل بر درآمد واقعی است. به طور کلی در این نظریه‌ی که به نظریه شکاف تورمی مشهور است، تورم نتیجه‌ی فاصله‌ی بین تقاضای کل و عرضه‌ی کل است.^۲

اقتصاددانان مکتب پولی معتقدند تأثیر تغییرات حجم پول بر متغیرهای حقیقی در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت است. هر چند در کوتاه‌مدت ممکن است تکانه‌های اسمی به دلیل چسبندگی انتظارات، متغیرهای حقیقی اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهند اما پول‌گرایان معتقدند که تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است. بدین معنا که تورم ناشی از رشد عرضه‌ی پول است.^۳

در حالی که براساس نظریات مکتب کلاسیک‌های جدید اثر کوتاه‌مدت سیاست‌ها به قابل پیش‌بینی بودن آن‌ها بستگی دارد به طوری که تغییرات پیش‌بینی شده حجم پول، به طور کامل در قیمت‌ها انعکاس می‌یابد در حالی که اثر پول پیش‌بینی نشده بر قیمت‌ها کامل نیست.^۴ در نهایت ساختارگرایان ریشه‌های بنیادین تورم را در ساختارهای اقتصادی ناموزون کشورهای در حال توسعه جستجو می‌کنند.^۵

۱ - ادبیات مربوط به نظریات تورمی به وفور در کتب اقتصاد کلان یافت می‌شود. از این رو در این مقاله به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است (برای مثال نگاه کنید به گرجی، ۱۳۷۹ و طیب‌نیا ۱۳۷۴).

۲- (طیب‌نیا، ۱۳۷۴).

3- Hossain, Akhtar and A. Chowdhury (1996).

۴- گرجی (۱۳۷۹).

5- Wijnbergen (1983)

۳- مروری بر مطالعات انجام شده

به طور کلی، بیش‌تر مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که متغیر پولی، تورم وارداتی، نرخ ارز، مخارج دولت، کسری بودجه، دستمزد و انتظارات تورمی از علل اصلی ایجاد تورم هستند. در جدول (۱) خلاصه‌ای از نتایج و روش‌های تجربی برخی از مهم‌ترین مطالعات تجربی انجام شده درباره علل تورم در اقتصاد ایران آورده شده است.

جدول ۱- خلاصه‌ی اهم مطالعات انجام شده در مورد علل ایجاد تورم در اقتصاد ایران

نتیجه	روش تجربی	محقق
رابطه‌ی قوی بین رشد پول و نرخ تورم در اقتصاد ایران وجود دارد.	OLS	اندرسون و رابرت ^۱ (۱۹۸۲)
سیاست تک‌نرخی کردن بازار ارز بدون سیاست‌های پولی و مالی سازگار می‌تواند تورمی (تورم‌زا) باشد.	CVAR ^۳	دلان ویلانوا (۱۹۹۳)
حجم پول، نرخ ارز، تورم وارداتی، کسری بودجه، سطح دستمزدها و انتظارات رابطه‌ی مثبت با تورم و رشد تولید رابطه‌ی منفی با تورم دارد.	OLS-3SLS	طیبنیا (۱۳۷۴)
اثر حجم پول بر قیمت‌ها در دوره‌ی بعد از انقلاب به مراتب بیش‌تر از قبل از انقلاب است و حساسیت قیمت نسبت به شاخص قیمت کالاهای وارداتی قبل از انقلاب بیش‌تر از دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب است.	CSVAR ^۴	طیبیان و سوری (۱۳۷۵)
حجم پول رابطه‌ی مثبت و تولید رابطه‌ی منفی با قیمت‌ها دارند. اثر نرخ ارز، تورم وارداتی و انتظارات در کوتاه مدت بر تورم مثبت است.	VECM	ابریشمی و مهرآرا (۱۳۷۷)
ماهیت تورم در ایران پولی است. نرخ ارز دارای ارتباط قوی و معنی‌دار با تورم است.	OLS	کمیجانی-علوی (۱۳۷۹)
عوامل پولی اثرات قدرتمندی بر تورم دارند اما اثرات نرخ ارز ضعیف و گذرا است.	هم انباشتگی	لیو و آددجی (۲۰۰۰)
متغیرهای حجم پول، نرخ ارز، تورم وارداتی و انتظارات تورمی رابطه‌ی مثبت با تورم داشته و رابطه‌ی بین نرخ رشد اقتصادی و تورم منفی است.	ARDL	درگاهی و آتشک (۱۳۸۱)
شکاف قیمت داخلی قادر به تبیین تورم کشور نیست و شکاف‌های قیمت کل و خارجی به خوبی تورم کشور را تبیین می‌کنند	مدل P*	عزیزی (۱۳۸۳)

1- Richard Anderson & Rasche Robert

2- Delan Villanueva.

3- Cointegrating VAR

4- Cointegrating Structural VAR

5- Liu, O. and O.S. Adedeji.

نتیجه	روش تجربی	محقق
تولید حقیقی، شاخص قیمت کالاهای وارداتی، نقدینگی و نرخ ارز، متغیرهای اثرگذار بر تورم در اقتصاد ایران است	VECM	قوام مسعودی و تشکینی (۱۳۸۴)
هرچه اقتصاد ایران بازتر باشد، اثرپذیری تورم از ادوار تجاری داخلی کم‌تر می‌شود. رونق و رکود شرکای تجاری ایران، از طریق تجارت به ایران نیز منتقل شده و تورم داخلی را متأثر می‌نماید.	VAR	طیب‌نیا و زندیه (۱۳۸۷)
مدل‌های شبکه‌های عصبی در بیش‌تر موارد عملکرد بهتری در زمینه‌ی پیش‌بینی تورم دوره‌ی آتی در ایران نسبت به رقبای خود دارند.	BPN & ARIMA	مشیری (۱۳۸۰)
حجم پول، تولید، نرخ سپرده سه ماهه و نرخ ارز مؤثر، تأثیرات با اهمیتی بر تورم در ایران دارند.	VECM	بوناتو ^۱ (۲۰۰۷)
عوامل مالی نظیر شاخص قیمت کالاهای وارداتی، درآمدهای نفتی و کسری بودجه موجب افزایش تورم و رشد اقتصادی مهارکننده تورم است.	VAR	حسینی‌نسب و رضاقلی‌زاده (۱۳۸۹)
انحراف متغیرهایی چون حجم پول، سرعت گردش پول و تولید از مقادیر بالقوه منشاء نوسانات تورمی است.	مدل P*	بهرامی و فرشچی (۱۳۸۹)
سری تورم در اقتصاد ایران دارای حافظه‌ی بلندمدت است و آثار هر تکانه بر این سری تا دوره‌های طولانی باقی می‌ماند.	ARFIMA-GARCH	محمدی و طالبی (۱۳۸۹)
افزایش تورم و کاهش درآمدهای نفت علت افزایش نااطمینانی تورم است و منشاء اصلی نااطمینانی تورم در ایران، ارزش افزوده بخش نفت است.	علیت گرنجری	مهرآرا و مجاب (۱۳۸۹)

مأخذ: استخراج نویسندگان از مطالعات مختلف

۴- روند تورم در ایران

در این قسمت به بررسی روند تورم در ایران و علل و آثار آن پرداخته شده است. نرخ تورم از دهه‌ی ۱۳۵۰ به بعد وارد مرحله‌ی جدیدی شده است، به طوری که در بیش‌تر سال‌ها ما شاهد تورم‌های دو رقمی بوده‌ایم. به طور خلاصه می‌توان نرخ تورم و هم‌چنین علل بروز تورم برای سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۵۱ در جدول (۲) مشاهده کرد.

جدول ۲- متوسط نرخ تورم و علل آن طی سال‌های ۸۹-۱۳۵۱

دوره‌ی زمانی	متوسط نرخ تورم	برخی دلایل تغییر تورم
۱۳۵۱-۵۸	۱۳/۲۹	افزایش پایه‌ی پولی ناشی از افزایش دارایی‌های بانک مرکزی
۱۳۵۹	۲۳/۹	شروع جنگ و انتظارات روانی حاصل از آن، اثار تورمی ناشی از کسری بودجه‌ی دولت و اختلالات ناشی از سیستم توزیع
۱۳۶۰-۶۴	۱۴/۹	بهبود درآمدهای ارزی ناشی از صدور نفت، تثبیت نظام سیاسی اقتصادی، افزایش واردات، اعمال سیاست سهمیه بندی
۱۳۶۶-۶۷	۲۶/۸	سقوط قیمت نفت، افزایش نقدینگی ناشی از افزایش شدید کسری بودجه، کاهش GDP، و رکود تورمی
۱۳۶۸-۷۲	۱۸/۸	اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، کاهش کسری بودجه و در نهایت کاهش رشد نقدینگی، افزایش واردات و تولید داخلی.
۱۳۷۳-۷۸	۲۷/۲	کاهش درآمدهای ارزی و واردات، بحران بدهی‌های خارجی و افزایش نقدینگی
۱۳۷۹-۸۳	۱۴/۱	ثبات اقتصادی و حرکت به سمت یکسان سازی نرخ ارز، بهبود تراز پرداخت‌ها، کاهش قیمت کالاهای تجاری و افزایش واردات
۱۳۸۴-۸۷	۱۴/۸	افزایش درآمدهای نفتی و مخارج دولت، رشد نقدینگی از ناحیه‌ی افزایش دارایی‌های خارجی و واردات کالاهای مصرفی به عنوان عامل بازدارنده‌ی تورم
۱۳۸۸	۱۰/۸	رکود جهانی، سیاست‌های انقباضی، رکود بازار مسکن و ثبات نرخ ارز
۱۳۸۹	۱۲/۴	افزایش قیمت مواد غذایی و حامل‌های انرژی

مأخذ: استخراج از گزارشات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مطالعات تجربی ارائه شده در جدول (۱)

۵- بررسی تجربی مدل تورم در ایران

در این بخش الگوی تجربی تورم، مبتنی بر ادبیات موضوع (شامل مبانی نظری و مطالعات تجربی) ارایه و برآورد شده است. در این مطالعه از یک الگوی پویای تصحیح خطا (ECM) به صورت خطی و غیرخطی برای آزمون نظریه‌های مختلف تورمی که در متون اقتصادی آمده، استفاده می‌شود است تا از این طریق عوامل عمده‌ی تعیین‌کننده‌ی تورم در ایران تشریح شود. به منظور افزایش کارایی، روابط بلندمدت (مربوط به تقاضای پول و نرخ ارز یا PPP) باید به طور هم‌زمان برآورد شوند. اما با توجه به بزرگ بودن ابعاد دستگاه (تعداد متغیرها) نسبت به حجم داده‌ها، نتایج رضایت‌بخشی

از تخمین همزمان معادلات فوق حاصل نمی‌شود. لذا به پیروی از سایر مطالعات انجام گرفته در این زمینه (مانند جوسیلیوس^۱ (۱۹۹۴) و دوروال^۲ (۱۹۹۸))، روابط مذکور به‌طور جداگانه مورد برآورد قرار گرفته است. در ابتدا روابط بلندمدت برای تقاضای پول و نرخ ارز (برابری قدرت خرید) به تفکیک برآورد شده و سپس عدم تعادل‌های حاصل شده (اجزاء تصحیح خطای حاصل از تخمین روابط بلندمدت) به همراه سایر متغیرهای توضیحی در الگوی تورم وارد می‌شوند. متغیر شکاف تقاضا، نیز برای بررسی اثر انحراف تولید از مقدار تعادلی آن روی تورم در الگو لحاظ می‌شود.^۳

در ادامه پس از بررسی مانایی متغیرهای مورد استفاده در الگو، به تصریح و تخمین روابط بلندمدت شامل تابع تقاضای پول و معادله‌ی بلندمدت نرخ ارز مبتنی بر فرضیه‌ی PPP پرداخته و باقیمانده‌های حاصل از روابط بلندمدت مذکور به ترتیب به عنوان عدم تعادل‌های بازار پول و بخش خارجی محاسبه می‌شود. بدین ترتیب این امکان فراهم می‌شود تا اثر انحرافات یا عدم تعادل‌های مذکور به همراه شکاف تقاضا (عدم تعادل بخش تولید) در الگوی خطی و غیرخطی تورم مورد آزمون قرار گیرد. دوره‌ی مطالعه‌ی این تحقیق سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۳۸ است. منبع جمع‌آوری داده‌ها، نشریات و سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آمارهای مالی بین‌المللی (IFS)^۴ است. همه‌ی اعداد و ارقام به کار گرفته شده به صورت داده‌های سالانه هستند.

۵-۱- معرفی متغیرها و بررسی خواص آماری آن‌ها

در ادبیات نوین اقتصادسنجی قبل از برآورد روابط بلندمدت ابتدا بایستی خواص سری زمانی متغیرها با آزمون‌های ریشه‌ی واحد بررسی شده و اطمینان حاصل شود که در الگوی کوتاه‌مدت، تمامی متغیرها، مانا و در الگوی بلندمدت، تمامی متغیرها حاوی یک ریشه‌ی واحد باشند. در جدول (۳)، همه‌ی متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه، معرفی و نتایج آزمون‌های ریشه‌ی واحد برای آن‌ها ارائه شده است. روش‌های مختلفی برای تعیین مانایی متغیرها (از قبیل آزمون‌های دیکی- فولر تعمیم یافته، فیلپس-

1- Juselius.

2- Durevall.

۳- مطابق نظریه‌ی هم انباشتگی، در صورت وجود رابطه‌ی بلندمدت، الگوهای تصحیح خطای کوتاه‌مدت، چگونگی و سازوکار حصول به رابطه بلندمدت را نشان می‌دهند. در الگوهای تصحیح خطای کوتاه‌مدت، نرخ رشد متغیر (در اینجا تورم) تابعی از عدم تعادل در روابط بلندمدت در دوره‌ی قبل (تقاضای پول و برابری قدرت خرید) است.

4- International Financial Statistics.

پرون، شکست ساختاری پرون) در ادبیات اقتصاد سنجی وجود دارد. در این مقاله از هر سه روش یاد شده استفاده شده است، که فقط نتایج حاصل از روش دیکی-فولر گسترش یافته گزارش شده‌اند. نتایج سایر آزمون‌ها با نتایج آزمون دیکی-فولر سازگار است.

جدول ۳- آزمون ریشه‌ی واحد دیکی- فولر برای سطح و تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرها

مقدار آماره	متغیر	نام متغیر	مقدار آماره	متغیر	نام متغیر
** -۳/۱۷	ΔE	نرخ رشد ارز	-۱/۶۵	Y	لگاریتم GDP حقیقی
۰/۷۳	O	لگاریتم قیمت حقیقی نفت	-۲/۲۷	M2	لگاریتم حجم پول
** -۹	ΔO	نرخ رشد قیمت‌های حقیقی نفت	-۰/۴۴	P^f	لگاریتم CPI (آمریکا)
* -۳/۵۸	ΔY	نرخ رشد GDP حقیقی	-۲/۹۷	P	لگاریتم CPI داخلی
* -۲/۱۳	ΔP^f	نرخ رشد قیمت‌های خارجی	-۲/۲۹	E	لگاریتم نرخ ارز بازار موازی
** -۷/۳۸	ΔP	نرخ تورم	-۲/۱۱	M2-P	لگاریتم مانده‌ی پول حقیقی
** -۵/۳۱	Δm	نرخ رشد مانده‌ی پول حقیقی	* -۳/۴۴	$\Delta M2$	نرخ رشد پول

مأخذ: نتایج تخمین

توضیحات: * و ** به ترتیب نشان‌دهنده‌ی معنی‌داری در سطح ۱۰٪ و ۵٪ است. $\Delta m = \Delta (M2-P)$

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، فرض نامانا بودن برای مقادیر لگاریتمی همه‌ی متغیرها مورد پذیرش واقع می‌گردد، ولی تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرها مانا هستند. به علاوه در این مطالعه متغیر تغییرات قیمت نفت به تغییرات یا تکانه‌های مثبت و منفی نفت تجزیه شده و اثر هر یک بر نرخ تورم مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب تکانه‌های نفتی می‌توانند به صورت نامتقارن بر نرخ تورم تأثیر بگذارند.^۱

۱- استفاده از شاخص قیمت مصرف کننده در این مقاله، نتایج رضایت‌بخش تری نسبت به شاخص ضمنی مبتنی بر آزمون‌های تشخیصی و اهمیت آماری ضرایب به دست می‌دهد. در ضمن نتایج به لحاظ کیفی تفاوت محسوسی نمی‌کند.

۵-۲- تصریح و برآورد روابط بلندمدت

۵-۲-۱- تقاضای پول

با توجه به نامانا بودن سطوح متغیرهای تحت بررسی، بایستی قبل از برآورد الگوی تورم، هم‌انباشتگی یا وجود روابط بلندمدت میان سطوح متغیرها را با الهام از تئوری اقتصادی مورد آزمون قرار داد. بر اساس تئوری تقاضای پول (با تعادل بازار پول) انتظار می‌رود که متغیرهای مانده‌ی پول حقیقی (M2-P)، و تولید (Y) یک رابطه‌ی تعادلی بلندمدت با یکدیگر داشته باشند. در صورت وجود رابطه‌ی بلندمدت میان متغیرهای مذکور، باقیمانده‌های حاصل از آن که عدم تعادل پولی تفسیر می‌شوند نیز می‌توانند تورم را تحت تأثیر قرار دهند.

از تکنیک هم‌انباشتگی جوهانسون-جوسیلیوس^۱ برای تخمین تابع تقاضای پول استفاده می‌شود. به علاوه اثرات تکانه‌های بزرگ از قبیل انقلاب بر روی تابع تقاضای پول با در نظر گرفتن متغیرهای مجازی در الگوی VECM کنترل می‌شوند. تابع تقاضای بلندمدت یا استاتیک پول شامل دو متغیر مانده‌ی پولی حقیقی (M2-P) و درآمد حقیقی (Y) است. طول وقفه‌ی p در الگوی VAR(p) با توجه به معیارهای آکایک، شوارتز و هم‌چنین آزمون نسبت درست‌نمایی LR تعیین می‌شود. نتایج آزمون‌های هم‌انباشتگی در جدول (۴) ارائه شده است. درجه هم‌انباشتگی برابر $r=1$ انتخاب می‌شود. نتایج دو آماره حداکثر مقدار ویژه λ_{trace} و λ_{max} ، نشان‌دهنده وجود یک رابطه در نهایت تعادلی بین مانده‌های پولی حقیقی و درآمد حقیقی است.

جدول ۴- نتایج آزمون هم‌انباشتگی برای تابع تقاضای پول با روش حداکثر درست‌نمایی جوهانسون

مقدار بحرانی	آماره λ_{trace}	مقدار بحرانی ۵٪	آماره λ_{max}	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
۱۵/۳۵	۱۸/۳۹*	۹/۱۸	۱۷/۱۴*	r=1	r=0
۶/۰۱	۳/۸۴	۶/۰۱	۳/۸۴	r=2	r ≤ 1

مأخذ: نتایج تخمین

درجه‌ی VAR برابر $p=2$ است. * بیانگر معنی دار بودن آماره در سطح ۵ درصد است.

با در نظر گرفتن تعداد وقفه‌ی بهینه، رابطه‌ی بلندمدت برای تقاضای پول سرانه تخمین زده شد که معادله‌ی تخمین زده شده به صورت زیر است:

$$m_t = M2_t - P_t = -1/36 + 0/63 Y_t + U_t \quad (1)$$

علامت تمامی ضرایب با تئوری سازگار است. اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب مربوطه هستند و دلالت بر معنی‌دار بودن ضرایب دارند. پس از تخمین رابطه‌ی بلندمدت، جزء تصحیح خطا یا عدم تعادل پولی از باقیمانده‌های معادله‌ی مذکور به صورت معادله (۲) به دست می‌آید.

$$ECM_t = u_t = m_t - m_t^* = M\gamma_t - P_t + 1.36 - 0.63Y_t \quad (2)$$

m_t^* مقدار تعادلی مانده‌ی حقیقی و عبارت ($ECM_t = u_t = m_t - m_t^*$) عدم تعادل بخش پولی است. انتظار می‌رود عدم تعادل‌های مثبت یا مازاد پولی (افزایش حجم پول نسبت به مقدار تعادلی آن) نرخ تورم را با ضریب مثبت تحت تأثیر قرار دهند.

۵-۲-۲- رابطه‌ی برابری قدرت خرید یا PPP

مبنای اصلی تجزیه و تحلیل تعادل بلندمدت در بخش خارجی نظریه‌ی تساوی قدرت خرید یا PPP بوده است. مطابق این نظریه با فرض آریبتراز در بازار کالاها، قیمت یک سبد کالای مشترک در کشورهای مختلف (برحسب ارز واحد) به سمت مقدار یکسانی میل خواهد کرد^۱. در نتیجه در صورت انحرافات در نهایت از PPP انتظار می‌رود نرخ ارز و هم‌چنین قیمت‌های داخلی برای حصول به تعادل تعدیل شوند، لذا انحراف از PPP را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تورم در کوتاه‌مدت مورد توجه قرار می‌گیرد. مطابق نظریه‌ی PPP تغییرات نرخ ارز در تعادل بلندمدت، برابر تفاوت تورم داخلی و خارجی است، لذا رابطه‌ی هم‌انباشتگی یا بلندمدت برای PPP به صورت زیر تصریح شده است:

$$E_t = \beta + \gamma P_t + \delta P_t^f + u_t \quad (3)$$

که در آن E لگاریتم نرخ ارز در بازار آزاد، P لگاریتم CPI و P^f لگاریتم شاخص عمده فروشی آمریکا است. نتایج آزمون حداکثر درست‌نمایی جوهانسون برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی برابر $r=1$ می‌باشد. به عبارت دیگر یک رابطه‌ی بلندمدت بین نرخ ارز اسمی و دو شاخص قیمتی وجود دارد (نتایج برای صرفه‌جویی ارایه نشده‌اند). نتیجه‌ی حاصل از تخمین رابطه‌ی PPP به صورت زیر است:

$$E_t = -8.06 - 0.9P_t + 1.11P_t^f + u_t \quad (4)$$

جزء تصحیح خطا یا عدم تعادل خارجی برای رابطه‌ی PPP، همان باقیمانده‌های معادله‌ی مذکور بوده که به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$ECME_t = E_t - E_t^* = E_t + 8.06 + 0.9P_t - 1.11P_t^f \quad (5)$$

که در آن E^* مقدار تعادلی نرخ ارز بر اساس نظریه‌ی PPP و عبارت $(-E=ECME)$ E^* عدم تعادل بخش خارجی است. انتظار می‌رود عدم تعادل‌های خارجی (به طور مثال افزایش نرخ ارز نسبت به مقدار تعادلی آن)، قیمت داخلی را با ضریب مثبت افزایش دهد.

۵-۳- نحوه‌ی محاسبه‌ی شکاف تولید ناخالص داخلی (gap)

برای محاسبه‌ی به‌دست آوردن شکاف تولید ناخالص داخلی در گام نخست با استفاده از فیلتر هودریک- پرسکات^۱ به محاسبه تولید ناخالص داخلی تعادلی پرداخته شده است، سپس با کم کردن مقدار تولید ناخالص داخلی تعادلی (Y^*) از مقدار واقعی آن (Y)، شکاف تولید ($gap=Y-Y^*$) به‌دست می‌آید که در ادبیات تجربی عموماً شاخصی برای محاسبه‌ی مازاد تقاضا در بازار کالا است.

۵-۴- مدل خطی تورم در ایران

شکل عمومی مدل خطی تصحیح خطا یا ECM به صورت زیر است (طول وقفه‌ی بهینه مطابق معیارهای انتخاب الگو مانند SBC, AIC و ... برابر یک در نظر گرفته شده است):

$$\begin{aligned} \Delta P_t = & \beta_0 + \beta_1 \Delta Y_t + \beta_2 \Delta Y_{t-1} + \beta_3 \Delta P_{t-1} + \beta_4 \Delta E_t + \beta_5 \Delta E_{t-1} + \\ & \beta_6 \Delta M_{t-1} + \beta_7 \Delta M_{t-2} + \beta_8 OP_t + \beta_9 OP_{t-1} + \beta_{10} .ECM_{t-1} \quad (6) \\ & + \beta_{11} ECME_{t-1} + \beta_{12} gap_{t-1} + \Delta P_t^f + \beta_{13} ON_t + \beta_{14} ON_{t-1} + \phi D_t + \varepsilon_t \end{aligned}$$

در این الگو، D_t متغیر دامی برای در نظر گرفتن شوک ناشی از انقلاب اسلامی است که مقدار آن برای دوره‌ی زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ برابر صفر و برای سایر سال‌ها یک است. تغییرات قیمت نفت ΔO به تکانه‌های مثبت و منفی قیمت نفت تجزیه شده است. OP تکانه‌های مثبت قیمت نفت و ON تکانه‌های منفی قیمت نفت است. براساس پیشنهاد مورک^۲ (۱۹۸۹)، نرخ‌های مثبت تغییرات قیمت نفت به عنوان تکانه‌های مثبت و نرخ‌های منفی تغییرات قیمت نفت به عنوان تکانه‌های منفی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$OP = \{\Delta O \text{ if } \Delta O > 0, \text{ otherwise}\}$$

$$ON = \{-\Delta O \text{ if } \Delta O < 0, \text{ otherwise}\}$$

1- Hodrick, Robert, and Edward C. Prescott (1997).

2- Mork.

در آن O قیمت‌های حقیقی نفت در کشورهای عضو اوپک است. بدین ترتیب تکانه‌های مثبت و منفی قیمت نفت می‌تواند آثار نامتقارنی بر تورم داشته باشد. ECMm و ECME، به ترتیب باقیمانده‌ها یا عدم تعادل‌های حاصل از تخمین تابع تقاضای پول و رابطه‌ی PPP و gap، شکاف محصول یا مازاد تقاضا هستند. برای یافتن بهترین مدل خطی چندین تصریح رقیب مبتنی بر الگوی (۶) وجود دارد که در این مقاله فقط نتیجه‌ی بهترین تخمین (بر اساس آزمون‌های تشخیصی، معیارهای انتخاب الگو و معنی داری ضرایب) گزارش شده است (نگاه کنید به جدول شماره (۵)).

جدول ۵- نتایج حاصل از تخمین مدل خطی (۶) پس از ساده‌سازی

نام متغیر	ΔP_{t-1}	$\Delta M2_t$	ΔOP_t	ΔOP_{t-1}	ΔY_t	ΔE_t	$ECME_{t-1}$
ضریب متغیر	۰/۲۰	۰/۵۲	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۲۷	۰/۱۷	۰/۰۳
آماره‌ی t	۱/۷۰	۵/۸۴	-۱/۹۸	-۱/۸۴	-۲/۱۲	۲/۶۴	۳/۱۲
انحراف معیار	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۰۱
معیارهای ارزیابی مدل	R2 ۰/۷۶	RESET ۴/۸۴	NORM ۰/۳۷	HET ۱/۸۷	DW ۱/۹۵	ARχ ² (2) ۰/۶۹	

مأخذ: نتایج تخمین

نتایج آزمون‌های تشخیصی در سطر آخر جدول (۵) ارائه شده است. در جدول مذکور ARχ²(2) آماره‌ی آزمون ضریب لاگرانژ برای خود هم‌بستگی پیاپی جملات اخلاص (برای دو وقفه)، DW معیار دوربین واتسون، RESET آماره‌ی آزمون رمزی^۱ برای شکل تبعی الگو مبتنی بر مربع مقادیر برازش شده، NORM آماره‌ی آزمون نرمال بودن باقیمانده‌ها مبتنی بر چولگی^۲ و کشیدگی^۳ باقیمانده‌ها و HET آماره‌ی آزمون واریانس همسانی بر اساس رگرسیون مربع باقیمانده‌ها روی مربع مقادیر برازش شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی آزمون‌های خوبی برازش به جز شکل تبعی (آماره‌ی رمزی) عموماً رضایت‌بخش است.

نتایج به دست آمده از تخمین مدل به صورت خطی را با توجه به آن چه در جدول (۵) مشاهده می‌شود، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: اول؛ ضرایب متغیر تصحیح خطای به دست آمده از رابطه‌ی PPP معنی‌دار و دارای علامت مورد انتظار است؛ هر چند که اندازه عددی آن کوچک است. دوم؛ مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تورم، نرخ رشد حجم پول است که رابطه‌ی مثبتی با تورم دارد. ضریب متغیر مذکور نشان می‌دهد که ۱۰ درصد افزایش در نرخ رشد حجم پول نرخ تورم را به اندازه‌ی ۵/۲ درصد در

1- Ramsey's RESET test.

2- Skew ness.

3- Kurtosis.

کوتاه‌مدت (همان دوره) افزایش می‌دهد. سوم؛ تکانه‌های نفتی مثبت رابطه‌ای معکوس با تورم دارند و آن را با ضریب $-0/077$ در همان دوره و $-0/074$ با یک وقفه متأثر می‌کنند، لذا افزایش قیمت‌های نفت در کوتاه‌مدت، نرخ تورم را کاهش می‌دهد. چهارم؛ تکانه‌های نفتی منفی اثری بر تورم در اقتصاد ایران نمی‌گذارند و ضریب متغیر با وقفه‌ی تورم معنی‌دار و دارای رابطه‌ی مثبت با تورم است، معنی‌داری این ضریب به نوعی نظریه تورم انتظاری را تأیید می‌کند. پنجم؛ نرخ ارز قیمت‌ها را به طور معنی‌داری در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد و ضریب متغیر رشد تولید ناخالص داخلی معنادار و منفی ($-0/27$) است. ششم؛ در مدل خطی مذکور، شکاف تقاضا اثری بر روی قیمت‌ها نمی‌گذارد. نهایتاً، نتایج آزمون شکل تبعی بر اساس آماره‌ی رمزی دلالت بر آن دارد که تصریح خطی به شکل رضایت‌بخشی قادر نیست نوسانات قیمت‌ها را توضیح دهد.

۵-۵- برآورد الگوی رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم (STR)^۱

مدل رگرسیونی انتقال ملایم یک مدل رگرسیونی سری زمانی غیرخطی است که می‌توان آن را به عنوان یک شکل توسعه یافته از مدل رگرسیونی تغییر وضعیت^۲ که توسط باکون و واتس^۳ (۱۹۷۱) معرفی شده است تلقی کرد. این محققان دو خط رگرسیونی را در نظر گرفته و به طراحی مدلی پرداخته‌اند که در آن گذار از یک خط به خط دیگر به صورت ملایم اتفاق می‌افتد. در ادبیات سری زمانی، گرنجر-تراسورتا^۴ (۱۹۹۳)، برای نخستین بار به تشریح و پیشنهاد مدل انتقال ملایم STR در مطالعات خود پرداختند. مدل مذکور را می‌توان به دو شکل انتقال ملایم نمایی (ESTR)^۵ و انتقال ملایم لجستیک (LSTR)^۶ به صورت زیر مورد استفاده قرار داد:

$$y_t = \alpha + \phi' Z_t + \theta' Z_t G(s_t) + u_t = \alpha + \{\phi + \theta G(s_t)\}' Z_t + u_t, t=1, 2, \dots, T \quad (7)$$

$$G(S_t) = \frac{1}{1 + \exp[-\gamma(S_t - c)]} \quad \text{برای تابع LSTAR}$$

$$G(S_t) = 1 - \frac{1}{\exp[-\gamma(S_t - c)]^2} \quad \text{برای تابع ESTAR}$$

که در آن y_t متغیر وابسته، α عرض از مبدا و Z_t بردار متغیرهای توضیحی است. در

۱- برای مباحث تکمیلی و توضیحات بیشتر در ارتباط با مدل‌های سری زمانی غیرخطی به Teräsvirta (2004) مراجعه شود.

2- Switching Regression Model.

3- Bacon & Watts.

4- Granjer & Terasvirta.

5- Exponential Smooth Transition Regression.

6- Logistic Smooth Transition Regression.

تصریح مذکور، ضرایب متغیرهای توضیحی، دیگر کمیت ثابتی نبوده و تابعی از متغیر s_t می‌باشد. $G(s_t)$ تابع انتقال، s_t متغیرگذار، c پارامتر موضعی^۱، و $\gamma > 0$ پارامتر شیب نامیده می‌شوند. s_t می‌تواند هر یک از متغیرهای الگو (Z_t)، وقفه‌های آن‌ها و یا متغیری خارج از الگو باشد. تصریح فوق بیانگر این است که الگو می‌تواند به صورت یک تابع خطی با ضرایبی که به طور تصادفی در طی زمان تغییر می‌کنند^۲، نیز تفسیر شود. در این مطالعه همان‌طور که مشاهده خواهد شد متغیرگذار، نرخ رشد قیمت نفت انتخاب شده است ($s_t = \Delta OP_t$)، به طوری که ضرایب متغیرهای تعیین کننده تورم، خود تابعی از رشد قیمت نفت (یا رژیم درآمدهای نفتی) هستند.

برای الگوی LSTR ضرایب $\varphi + \theta G(s_t)$ به عنوان تابعی از s_t به صورت یکنواخت از φ به $\varphi + \theta$ تغییر می‌کنند (هنگامی که s_t از $-\infty$ به $+\infty$ حرکت می‌کند)، اما برای تابع ESTR، ضرایب به صورت متقارن حول نقطه‌ی میانی c از φ به $\varphi + \theta$ تغییر می‌کنند (هنگامی که s_t از c به سمت $\pm\infty$ حرکت می‌کند)، لذا مدل LSTR دارای قابلیت مدل‌سازی رفتار متقارن متغیرهاست، به عنوان مثال این الگو برای توصیف فرایندهایی که در دوره‌های رونق، رفتاری متفاوت از دوره‌های رکودی دارند و انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر به صورت ملایم انجام می‌پذیرد، مدلی قابل اتکاء و مناسب است. از سوی دیگر، مدل ESTR برای شرایطی مناسب است که ضرایب یا فرایند تعدیل پویا در مقادیر حدی (بالا و پایین) رفتاری مشابه داشته و فقط در مقادیر میانی رفتاری متفاوت از خود نشان دهند. وقتی که پارامتر شیب $\gamma = 0$ باشد، تابع‌گذار $G(s_t) = 1$ خواهد بود و بنابراین مدل STR تبدیل به یک مدل خطی می‌شود. از سوی دیگر وقتی که $\gamma \rightarrow \infty$ ، مدل LSTR به مدل رگرسیونی تغییر وضعیت با دو رژیم گسسته تبدیل می‌شود. در مدل ESTR، اگر $\gamma \rightarrow \infty$ باشد، عملاً به یک الگوی خطی می‌رسیم.

قبل از تصریح و برآورد یک الگوی غیرخطی به صورت STAR، ابتدا بایستی غیرخطی بودن آن مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که فرض صفر مبنی بر خطی بودن الگو رد شود، باید از بین مدل‌های غیرخطی بالقوه، به انتخاب نوع مدل غیرخطی (LSTR یا ELSTR) پرداخته و پارامترهای آن تخمین زده شود. برای آزمون فرضیه‌ی خطی بودن، بایستی محدودیت $\gamma = 0$ در الگوی غیرخطی (γ) آزمون شود، اما تحت فرضیه‌ی صفر $\gamma = 0$ ، H_0 ، ضرایب الگو قابل شناسایی نیستند. به همین دلیل برای آزمون مذکور تقریب تابع انتقال (γ) براساس بسط تیلور به صورت معادله (۸) نوشته می‌شود:

- 1- Transition Variable.
- 2- Locational Parameter.
- 3- Time-Varying parameters.

$$y_t = \Delta P_t = c + \beta_1' Z_t + \sum_{j=1}^3 \beta_j' Z_{ts}^j + u_t^* \quad (۸)$$

الگوی خطی براساس فرضیه‌ی صفر $H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = 0$ مبتنی بر آماره‌ی ضریب لاگرانژ یا نسبت F آزمون می‌شود (تراسورتا، ۲۰۰۴). برای آزمون خطی بودن از چهار متغیرگذار بالقوه (نرخ رشد حجم پول، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد قیمت نفت و نرخ تورم) استفاده می‌شود. نتایج حاصله در جدول (۶) ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تغییرات جاری همه‌ی متغیرهای گذار مذکور فرض صفر خطی بودن را رد کردند. با توجه به آن‌چه که در ادبیات سری‌های زمانی غیرخطی آمده است در چنین شرایطی باید از میان متغیرهای گذار بالقوه، متغیری انتخاب شود که مقدار P-Value آزمون را حداقل کند. با مقایسه‌ی مقدار P-Value آزمون به ازای متغیرهای گذار مختلف که در جدول (۶) آمده است، ملاحظه می‌شود که مقادیر P-value برای متغیرهای نرخ رشد قیمت نفت به مراتب کمتر از این مقدار برای نرخ رشد حجم پول و نرخ رشد تولید ناخالص حقیقی می‌باشد، لذا نرخ رشد قیمت نفت به عنوان متغیرگذار انتخاب شده است.

جدول ۶- مقادیر P-Value آزمون خطی بودن مدل به ازای متغیرهای گذار مختلف

مقدار P- Value	نتیجه‌ی آزمون	نام متغیرگذار	مقدار P- Value	نتیجه‌ی آزمون	نام متغیرگذار
۰/۱۹	عدم رد فرض صفر	ΔP_{t-1}	۰/۰۰۰۰۰۱	رد فرض صفر	ΔO_t
۰/۰۰۸	رد فرض صفر	ΔY_t	۰/۱۲	عدم رد فرض صفر	ΔO_{t-1}
۰/۰۱۴	عدم رد فرض صفر	ΔY_{t-1}	۰/۰۰۰۰۰۲	رد فرض صفر	ΔM_{2t}
			۰/۰۲	عدم رد فرض صفر	ΔM_{2t-1}

مأخذ: نتایج تخمین

با توجه به رد فرضیه‌ی صفر (خطی بودن الگو)، گام بعدی انتخاب نوع مدل غیرخطی است. در مدل‌های STR، هیچ تئوری اقتصادی روشنی در زمینه‌ی انتخاب نوع مدل وجود ندارد، بنابراین انتخاب نوع مدل STR (از میان دو نوع ESTR و LSTR) باید براساس داده‌ها و آزمون‌های آماری باشد. برای این منظور آزمون‌های زیر مبتنی بر معادله‌ی (۸) انجام می‌شود:

$$\begin{aligned} H_{.4} : \beta_3 &= 0 \\ H_{.3} = \beta_2 &= 0 \mid \beta_3 = 0 \\ H_{.2} = \beta_1 &= 0 \mid \beta_2 = \beta_3 = 0 \end{aligned} \quad (۹)$$

اگر H_{03} رد و دو فرضیه‌ی دیگر پذیرفته شود، مدل ESTR انتخاب می‌شود. اگر H_{04} یا رد H_{02} ، مدل LSTR است. همچنین اگر هر سه فرضیه‌ی صفر شوند، با توجه به مقدار P-Value، قوی‌ترین رد فرضیه‌ی صفر را در نظر می‌گیریم. مطابق قاعده پیشنهادی اگر فرضیه‌ی H_{03} به قوی‌ترین شکل رد شود، مدل ESTR است، در غیر این صورت مدل LSTR انتخاب می‌شود. در جدول (۷) مقادیر p-value برای آماره‌های F و کای دو حاصل از آزمون فوق آمده است. نتایج نشان می‌دهند که فرضیه‌ی H_{04} و H_{02} با قدرت بیش‌تری نسبت به H_{03} رد می‌شوند، در نتیجه مدل LSTR برای تخمین الگوی غیرخطی انتخاب می‌شود.

جدول ۷- نتایج آزمون WALD بر روی ضرایب برای تعیین نوع مدل غیرخطی.

فرض صفر	F برای آماره‌ی P-value	χ^2 برای آماره‌ی P-value
$\beta_3 = 0$	۰/۰۳	۰/۰۲
$\beta_2 = 0 \mid \beta_3 = 0$	۰/۱۶	۰/۱۱
$\beta_2 = 0 \mid \beta_3 = \beta_4 = 0$	۰/۰۹	۰/۰۷

مأخذ: نتایج تخمین

۵-۵-۱- تخمین مدل با استفاده از الگوی غیرخطی LSTR

تخمین مدل غیرخطی LSTR به صورت معادله‌ی (۷) پس از حذف متغیرهای زاید (بی‌معنی) منتج به رابطه‌ی زیر می‌شود:

$$\Delta P_t = 0.1 \text{ECM}_{t-1} + 0.3 \text{ECME}_{t-1} + 0.28 \Delta E_t - 0.3 \Delta \text{OP}_t + 0.51 \Delta M_t + (0.86 \text{gap}_{t-1} + 0.31 \Delta \text{OP}_t) \cdot G_1 + \varepsilon_t$$

$$G_1 = \left(1 + \exp \left\{ -4.05 (\Delta \text{Oil}_t - 0.10) \right\} \right)^{-1} \quad (10)$$

$$\text{AR}\chi^2(2) = 1.67, \text{stability-LM} = 2.23$$

اعداد داخل پرانتز، نسبت‌های t می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود همه‌ی ضرایب در الگو معنی دارند. آماره‌های آزمون‌های ضریب لاگرانژ برای وجود خود همبستگی $\text{AR}\chi^2(2)$ و ثبات پارامترها $\text{stability-LM}(2)$ معنی‌دار نبوده و دلالت بر رضایت‌بخش بودن نتایج الگوی غیرخطی دارند (برای تشریح این آزمون‌ها ایتیریم و

تراسورتا^۱ (۱۹۹۶) را ملاحظه کنید). همان طور که در قسمت‌های قبلی اشاره شد، مدل غیرخطی دارای دو رژیم حدی متناظر با رشد پایین قیمت‌های نفت (LG)^۲ و رشد بالای قیمت‌های نفت (HG)^۳ است. در رژیم رشد درآمدهای پایین نفتی هنگامی که $s_t = \Delta O \rightarrow -\infty$ باشد، معادله‌ی تورم به صورت زیر حاصل می‌شود (ضرایب φ معادله‌ی (۷)):

$$\Delta P_t = 0.1ECMm_{t-1} + 0.03ECME_{t-1} + 0.28\Delta E_t - 0.3\Delta OP_t + 0.51\Delta M_t \quad (11)$$

مدل غیرخطی HG برای تبیین رفتار تورم در سطوح بالای رشد قیمت‌های نفت هنگامی که $s_t = \Delta O \rightarrow +\infty$ به صورت معادله‌ی زیر است (ضرایب $\varphi + \theta$ در معادله‌ی (۷)):

$$\Delta P_t = 0.1ECMm_{t-1} + 0.03ECME_{t-1} + 0.28\Delta E_t + 0.51\Delta M_t + 0.86gap_{t-1} \quad (12)$$

لازم به ذکر است که در رژیم درآمدهای نفتی بالا، تمامی ضرایب در معادله‌ی (۱۲) با یکدیگر جمع می‌شوند (مجموع $\varphi + \theta$ محاسبه می‌شود)، در نتیجه در مدل حاصل شده (با توجه به قرینه بودن ضرایب تکانه‌های نفتی مثبت) این ضریب حذف می‌شود و متغیر شکاف تقاضا تنها متغیری است که اضافه می‌شود.

نتایج به دست آمده از تخمین مدل با استفاده از الگوی LSTR را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: اول؛ ضرایب متغیرهای تعیین کننده تورم در اقتصاد ایران مقادیر ثابتی نبوده و خود تابعی از رشد قیمت‌های نفت هستند. به عبارت دیگر متغیرگذار انتخاب شده، نرخ رشد قیمت‌های نفت است به طوری که تورم در اقتصاد ایران نسبت به سطوح متفاوت نرخ رشد درآمدهای نفتی رفتاری نامتقارن نشان می‌دهد. دوم؛ نرخ رشد قیمت نفت که در آن نرخ، گذار بین دو رژیم تورمی اتفاق می‌افتد برابر با ۱۰ درصد است. سوم؛ در سطوح پایین نرخ رشد قیمت نفت (رژیم درآمدهای نفتی پایین) عوامل گوناگونی از قبیل عدم تعادل پولی، انحراف از رابطه‌ی برابری قدرت خرید یا عدم تعادل خارجی، رشد نرخ ارز، تکانه‌های نفتی مثبت و نرخ رشد حجم پول بر روی تورم تأثیر می‌گذارند که عمده‌ترین عامل (با توجه به ضرایب متغیرها) نرخ رشد حجم پول است. چهارم؛ در سطوح بالای نرخ رشد درآمدهای نفتی (رژیم درآمدهای نفتی بالا) تکانه‌های نفتی (شامل تکانه‌های مثبت نفت) اثر با اهمیتی بر تورم نداشته و در مقابل، متغیر شکاف تقاضا دارای نقش تعیین کننده‌ای است. در حقیقت در سطوح بالای نرخ رشد درآمدهای نفتی (با توجه به ضرایب متغیرها) شکاف تقاضا با ضریب ۰/۸۶ مهم‌ترین عامل اثرگذار

1- Eitheim and Terasvirta.

2- Low Growth.

3- High Growth.

بر تورم است. پنجم؛ تکانه‌های نفتی مثبت در رژیم پایین درآمدهای نفتی، اثرات منفی با اهمیتی (با ضریب $-0/3$) بر روی تورم دارند، ولی در رژیم درآمدهای نفتی بالا این اثر به صفر می‌رسد (در حقیقت دو ضریب $-0/3$ و $0/31$ در دو معادله‌ی مذکور یکدیگر را خنثی می‌کنند).

در جدول (۸) بهترین تخمین حاصل از مدل خطی و غیرخطی به صورت هم زمان ارائه شده‌اند تا از این طریق بتوان به مقایسه‌ی دقیق‌تر بین الگوهای خطی و غیرخطی رسید. مدل غیرخطی خود به دو بخش مدل غیرخطی LG (رژیم درآمدهای نفتی پایین) و مدل غیرخطی HG (رژیم درآمدهای نفتی بالا) تقسیم شده است.

جدول ۸- مقایسه‌ی تخمین‌های به دست آمده از مدل تورم خطی و غیرخطی

متغیر نوع مدل	ΔP_{t-1}	ΔM_{2t}	ΔOP_t	ΔOP_{t-1}	ΔY_t	ΔE_t	gap_{t-1}	ECM_{t-1}	$ECME_{t-1}$
خطی	۰/۲۰	۰/۵۲	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۲۷	۰/۱۷	----	----	۰/۰۳
غیرخطی (HG)	----	۰/۵۱	-۰/۳۰	----	---	۰/۲۸	----	۰/۱۰	۰/۰۳
غیرخطی (LG)	----	۰/۵۱	----	----	---	۰/۲۸	۰/۸۶	۰/۱۰	۰/۰۳

مأخذ: نتایج تخمین

حال می‌توان دو مدل خطی و غیرخطی را با استفاده از معیارهای ارزیابی مدل، مورد مقایسه قرار داد. برای مقایسه‌ی این دو مدل معیار SSR کافی است (تراسورتا، ۱۹۹۹). مقدار عددی این معیار برای الگوی خطی، $0/084$ و برای الگوی غیرخطی $0/077$ است. در نتیجه با توجه به این معیار، الگوی غیرخطی چارچوب مناسب‌تری برای تبیین رفتار تورم است. اهم نتایج به دست آمده از مقایسه‌ی مدل خطی و غیرخطی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: با توجه به معیارهای ارزیابی مدل و آزمون‌های مربوطه، الگوی غیرخطی، مدلی مناسب‌تر برای تبیین رفتار تورم در اقتصاد ایران است. به علاوه، با توجه به مشابه بودن ضرایب متغیرهای نرخ رشد حجم پول و عدم تعادل برابری قدرت خرید در هر دو الگوی خطی و غیرخطی (در جدول (۸))، این نتیجه حاصل می‌شود که ضرایب مذکور در مدل‌های خطی و غیرخطی تفاوت محسوسی با یکدیگر ندارند. ولی در مورد سایر متغیرها، الگوی غیرخطی نتایج متفاوتی (به تفکیک رژیم‌های درآمدی بالا و پایین نفتی) ارائه می‌دهد. در این موارد نتایج الگوی خطی به طور کلی گمراه‌کننده است. از سوی دیگر، اگرچه مدل خطی همانند مدل غیرخطی دلالت بر مهم بودن نقش

تکانه‌های نفتی مثبت بر قیمت‌ها دارد، اما نتیجه‌ی به دست آمده از مدل غیرخطی به مراتب دقیق‌تر است. مطابق نتایج تخمین مدل غیرخطی در جدول (۸)، تکانه‌های نفتی مثبت فقط در سطوح پایین درآمدهای نفتی بر روی قیمت‌ها اثر می‌گذارند و در رژیم بالای درآمدهای نفتی هیچ گونه اثری بر روی تورم ندارند.

نتایج به دست آمده در خصوص متغیر شکاف تقاضا نیز برای الگوی خطی گمراه‌کننده است. در حقیقت ضریب این متغیر در مدل خطی بی‌معنی است ولی با توجه به نتیجه‌ی به دست آمده از تخمین مدل با الگوی غیرخطی مشخص می‌شود که بزرگ‌ترین عامل اثرگذار بر روی قیمت‌ها در سطوح بالای درآمدهای نفتی، متغیر شکاف تقاضا است.

۶- نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله بررسی مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی تورم در ایران، بر اساس الگوهای خطی و غیرخطی است. یافته‌های مدل خطی نشان می‌دهد که حجم پول، تولید، نرخ ارز و تکانه‌های مثبت پول، بیش‌ترین اهمیت را در نوسانات قیمت‌ها در دوره‌ی نمونه داشته‌اند، در حالی که ضرایب تکانه‌های منفی نفت، عدم تعادل خارجی (PPP)، عدم تعادل پولی و شکاف تقاضا در معادله‌ی خطی تورم کوچک بوده و یا دارای اهمیت آماری پایینی هستند. یک توضیح قانع‌کننده برای بی‌اهمیت بودن ضرایب تعدیل مذکور می‌تواند این باشد که مکانیزم تعدیل (اثر عدم تعادل‌های مذکور روی تورم)، غیرخطی است به‌طوری‌که استفاده از تعدیل خطی منجر به ایجاد نتایج گمراه‌کننده‌ای شده است، لذا الگوی غیرخطی تورم که در آن ضرایب الگو، خود متغیر بوده و تابع یکی از متغیرهای توضیح‌دهنده (به نام متغیرگذار) است مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد. فرض صفر خطی بودن به ازای چهار متغیرگذار (نرخ رشد حجم پول، نرخ رشد قیمت نفت، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم) مورد آزمون قرار گرفته است که به جز نرخ تورم سه متغیر دیگر، فرضیه‌ی صفر مناسب بودن مدل خطی برای تبیین رفتار تورم را به شدت رد کرده‌اند. از میان متغیرهای گذار بالقوه، نرخ رشد قیمت نفت به عنوان مناسب‌ترین متغیرگذار انتخاب شده است.

آزمون‌های مربوطه برای تعیین نوع مدل غیرخطی نیز دلالت بر مناسب بودن مدل غیرخطی غیر متقارن از نوع LSTR دارد. در نهایت مدل تورمی با استفاده از الگوی غیرخطی LSTR تخمین زده شده است. اهم نتایج حاصل از تخمین مدل با هر دو الگوی خطی و غیرخطی به صورت زیر مقایسه می‌شوند؛ نخست؛ هر دو گروه عوامل داخلی (مانند عرضه‌ی پول) و عوامل خارجی (هم‌چون تغییرات مثبت قیمت نفت، نرخ

ارز و انحرافات از برابری قدرت خرید) به طور معنی‌داری بر روی قیمت‌ها در ایران تأثیر می‌گذارند. نتایج حاصل از تخمین مدل خطی و غیرخطی دلالت بر ضعیف بودن نقش متغیر انحراف از PPP بر تورم داخلی دارد. عدم تعادل بازار پول در الگوی خطی تأثیری بر تورم نداشته در حالی نقش با اهمیتی در الگوی غیرخطی (در هر دو رژیم درآمدهای نفتی پایین و بالا) ایفا می‌کند. دوم؛ الگوی سری زمانی غیرخطی توانایی بیشتری برای تبیین رفتار تورم در اقتصاد ایران نسبت به الگوی خطی دارد. به عبارت دیگر الگوی غیرخطی تحولات تورم در اقتصاد ایران را به طور کامل‌تری به تصویر می‌کشد. سوم؛ الگوی غیرخطی تورم تطابق بیشتری با تابع رگرسیون انتقال ملایم از نوع LSTR دارد به این مفهوم که واکنش تورم به عوامل تعیین‌کننده‌ی آن در رژیم درآمد نفتی بالا متفاوت از این واکنش در رژیم درآمد نفتی پایین است. چهارم؛ شکاف تقاضا اثرات بسیار با اهمیتی بر تورم در دوره‌های رونق درآمدهای نفتی دارد، در حالی که این اثر در رژیم درآمدهای نفتی پایین معنی‌دار نیست. نتیجه‌ی مذکور احتمالاً اثرات بالای تورمی مخارج دولت را به‌ویژه در دوره‌های رونق نفتی منعکس می‌کند. الگوی خطی قادر به تشخیص اهمیت متغیر مذکور نیست. پنجم؛ تکانه‌های مثبت نفتی فقط در رژیم درآمدهای نفتی پایین اثرات ضد تورمی دارند. در دوره‌ی رونق درآمدهای نفتی، تکانه‌های مثبت نفت اثرات با اهمیتی بر تورم (به جز از کانال حجم پول که در الگو لحاظ شده است) ندارد. الگوی خطی، به شکل گمراه‌کننده‌ی، اثر تکانه‌های مثبت نفتی را معنی‌دار تشخیص می‌دهد. ششم؛ حجم پول و عدم تعادل بخش خارجی اثرات خطی و متقارنی بر قیمت‌ها در تمامی رژیم‌های درآمد نفتی دارد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در دوره‌های رونق نفتی، کنترل مخارج دولت و کاهش شکاف تقاضا در کنترل فشارهای تورمی بسیار مؤثر است. کنترل‌های پولی و کاهش عدم تعادل‌های پولی، کارایی و قدرت یکسانی در کنترل تورم صرف نظر از رژیم‌های مختلف درآمد نفتی دارند.

فهرست منابع

- ۱- ایریشمی، حمید و مهرآرا، محسن. ۱۳۷۷. تورم و سیاست‌های جبرانی پولی و ارزی در اقتصاد ایران. پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فصل‌نامه‌ی شماره‌ی ۷، صفحات ۴۷ تا ۷۲.
- ۲- بهرامی، جاوید و فرشچی، مریم. ۱۳۸۹. تجزیه و تحلیل تورم با استفاده از مدل P*^{*}. پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی دوم. صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۸.

- ۳- حسینی نسب، ابراهیم و رضاقلی زاده، مهدیه. ۱۳۸۹. بررسی ریشه‌های مالی تورم در اقتصاد ایران. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی اول، صفحات ۴۳ تا ۷۰.
- ۴- درگاهی، حسن و آتشک، احمد. ۱۳۸۱. هدف‌گذاری تورم در اقتصاد ایران: پیش شرط‌ها و تبیین ابزارهای سیاسی. تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. شماره‌ی ۶۰، صفحات ۱۱۹ تا ۱۴۷.
- ۵- طبیبیان، محمد و سوری، علی. ۱۳۷۵. ریشه‌های تورم در ایران. پژوهش‌های بازرگانی، شماره‌ی ۱، صفحات ۷۵ تا ۱۰۶.
- ۶- طبیب‌نیا، علی. ۱۳۷۴. تئوری‌های تورم با نگاهی به فرایند تورم در ایران جهاد دانشگاهی. دانشگاه تهران.
- ۷- طبیب‌نیا، علی و رضوان زندیه. ۱۳۸۸. اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳۸، صفحات ۵۳ تا ۹۶.
- ۸- عزیزی، فیروزه. ۱۳۸۳. پیش‌بینی شکاف تورم بر اساس مدل P^* . جستارهای اقتصادی، شماره‌ی ۲، صفحات ۱۱-۳۸.
- ۹- تشکینی، احمد و قوام مسعودی، زهره. ۱۳۸۴. بررسی تجربی و نظری تورم در اقتصاد ایران (۸۲-۱۳۳۸). فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۳۶، صفحات ۱۰۶-۷۵.
- ۱۰- کمیجانی، اکبر و علوی، سید محمود. ۱۳۷۹. راهبرد سیاست‌گذاری پولی براساس روش هدف‌گذاری تورم و پیش شرط‌های لازم برای اجرای آن در ایران، مؤسسه‌ی تحقیقات پولی و بانکی.
- ۱۱- گرجی، ابراهیم. (۱۳۷۹). اقتصاد کلان تئوری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اقتصادی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
- ۱۲- مشیری، سعید. (۱۳۸۰). پیش‌بینی تورم با استفاده از مدل‌های ساختاری، سری‌های زمانی و شبکه‌های عصبی، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره‌ی ۵۸، صفحات ۱۸۴-۱۴۷.
- ۱۳- محمدی، تیمور و رضا طالبی. (۱۳۸۹). بویایی‌های تورم و رابطه‌ی تورم و عدم اطمینان اسمی با استفاده از الگوی ARFIMA-GARCH، پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی اول، صفحات ۱۳۷ تا ۱۷۰.
- ۱۴- مهرآرا، محسن و رامین مجاب. (۱۳۸۸). ارتباط میان تورم، نااطمینانی تورم، تولید و نااطمینانی تولید در اقتصاد ایران، فصل‌نامه‌ی پول و اقتصاد، صفحات ۱ تا ۳۰.